

دعای روز بیست و دوم

اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي فِيهِ أَبْوَابَ فَضْلِكَ وَأَنْزِلْ عَلَيَّ فِيهِ بَرَكَاتِكَ وَوَفِّقْنِي فِيهِ لِمُوجِبَاتِ مَرْضَاتِكَ وَ أَسْكِنِي فِيهِ بُحْبُوحَاتِ جَنَّتِكَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ؛ خداوندا در این روز درهای فضل و کرم را به روی من بگشا و بر من برکات را نازل فرما و بر موجبات رضا و خشنودیت موقم بدار و در وسط بهشت‌هایت مرا مسکن ده، ای پذیرنده دعای پریشانان

شهر رمضان

از لیلۃ القدر تا لیلۃ القبر

لیالی قدر برای ما تعیین کننده است. صرف آن محبت را به ما عطا کند که ما هم لیلۃ قدر حرام‌هاست؛ این لیلۃ القبر است، نه لیلۃ القدر! آمرزش گناهان مرده‌ها مطرح نیست. این‌ها بشویم. آن‌ها که لیلۃ قدر شدند، اسوه مایند. آمرزش گناهان یکی از فوائد جزئی این ادعیه یکی از زوایای فرعی لیلۃ قدر است. شرح اگر درباره فاطمه زهرا (علیها السلام) آمده است که او است. یک شب اگر بر هزار ماه فضیلت دارد، صدر طلب کردن، ظهور ولی عصر را مسئلت لیلۃ قدر است، این سخن از سنخ تمثیل است یک انسان هم بر هزار گروه فضیلت دارد. در کردن، گسترش فرهنگ اسلامی را خواستن، و نه تعیین. یعنی ۱۴ انسان کامل هر کدام صورتی که از لیلۃ القبری به دریاید، لیلۃ القدر وفاق ملی را مطرح کردن، کینه‌ها را از دل لیلۃ قدرند، و اگر آن‌ها لیلۃ قدرند، شاگردان بشود. این‌ها نظیر اسماء‌الله نیست که توقیفی زدودن و صدها معارف و معالی دیگر در صدر آن‌ها می‌توانند در حوزه ایمانی خود لیلۃ باشد! اگر به ما گفتند: فاطمه زهرا (علیها السلام) لیلۃ قدر خواسته‌های ماست؛ آمرزش گناهان هم جزو قدر بشوند. تو لیلۃ القدری، بدان؛ در صورتی است، یعنی‌ای زنان عالم! شما هم می‌توانید در خواسته‌های ماست، ولی عمده آن است که که از لیلۃ القبری بیرون بیایی! همه بزرگان حوزه ایمانی خود به دنبال مولاه و سیده خود، گناه رخت بریندد، نه گناه بیاید و آمرزیده شود! به ما گفتند: اگر از لیلۃ القبری به درآمدی، لیلۃ القدر بشوید، و اگر کسی قرآن در جان او عمده آن است که از خدا بخواهیم که اهل لیلۃ القدر می‌شوی! اینکه در درونش گورستان جلوه کرد، او همین لیلۃ القدر را در حوزه ایمانی معصیت نباشیم. فتنه‌هاست، گورستان غیبت‌هاست، گورستان خود خواهد داشت.

سخنرانی آیت‌الله جوادی آملی

از خدا بخواهیم که آن توفیق را، آن معرفت را، آمال و آرزوهاست، شکمش هم گورستان

شب قدر و اجابت دعا

شب قدر، بزرگترین، شریف‌ترین، پراح‌ترین و پررمز و رازترین شب‌ها در گردونه زمان است که قلم‌ها در وصفش می‌شکنند و زبان‌ها در توصیفش قاصر و عقل و تدبیرها در فهم آن مبہوت و متحیر می‌مانند. آیا به راستی برکتی بالاتر از این هست که یک شب هم‌تراز هزار ماه یعنی ۳۰ هزار شب یا ۸۳ سال و ۴ ماه قرار گیرد؟ شب قدر یعنی شب بزرگ و با عظمت، زیرا در قرآن کریم «قدر» به معنای منزلت و بزرگی خدا آمده است. همه مقدرات بندگان نیز در طول سال در این شب رقم می‌خورد. البته این امر هیچ گونه تضادی با آزادی اراده انسان و مساله اختیار ندارد زیرا تقدیر الهی به وسیله فرشتگان طبق شایستگی‌ها و لیاقت‌های افراد و میزان ایمان و تقوا و پاکی نیت و اعمال آنهاست. بدون شک مفاهیمی چون وعده و وعید، انذار و بشارت، کیفر و پاداش در قرآن و روایات بدون اراده و اختیار انسان بی‌معنا خواهد بود. در شب قدر فرشتگان بسیاری به زمین می‌آیند به طوری که زمین بر آن‌ها تنگ می‌شود، لذا آن را «شب قدر» نامیده‌اند زیرا یکی از معانی «قدر» به معنای ضیق و تنگ است و در این شب قرآن با تمام قدر و منزلتش به وسیله فرشته صاحب قدر بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) نازل شد.

پنجره‌ای روبه آسمان

آیت‌الله بیدآبادی^(۱) پنج سفارش مهم داشتند و همیشه می‌فرمودند که افراد ملتزم به آن باشند:

۱. همیشه با طهارت (وضوء) باشید.
۲. نماز، اول وقت اقامه شود.
۳. بیداری سحر از دست نرود.
۴. غسل جمعه فراموش نشود.
۵. مهم‌تر از همه: همیشه خود را در حضور حضرت ولی عصر (علیه السلام) ببینید؛ دائم‌الحضور بودن.

پیامبر ﷺ می فرماید: «... فَإِنَّ الشَّقِيَّ مِنْ حُرْمِ عُفْرَانَ اللَّهِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْعَظِيمِ؛ همانا شقی کسی است که از بخشش خداوند در این ماه با عظمت محروم شود».

بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۵۶

فصل خودسازی

شما به من بگویید «تو دچار این بیماری هستی»، عصبانی می شوم و بدم می آید. بگویند: «آقا، شما مرد حسودی هستید.» مگر کسی تحمل می کند که به او بگویند «حسود»؟ می گوید: «حسود خودت هستی! چرا اهانت می کنی؟ چرا بی خود می گویی؟» از دیگری حاضر نیستیم قبول کنیم، اما به خودمان که مراجعه می کنیم، می بینیم بله؛ ما متأسفانه از این بیماری ها داریم. سر هر کس را انسان کلاه بگذارد، از هر کس که پنهان کند، با خودش که دیگر نمی تواند! پس بهترین کسی که می تواند بیماری ما را تشخیص دهد، خودمان هستیم.

بیاورید روی کاغذ! بنویسید: «حسد» بنویسید: «بخل» بنویسید: «بدخواهی برای دیگران». وقتی کسی به خیری می رسد، ما ناراحت می شویم! بنویسید: «تنبلی در کار» بنویسید: «روح بدبینی به نیکان و صالحان» بنویسید: «بی اعتنائی به وظایف» بنویسید: «علاقه به خود. شدیداً به خودمان علاقه داریم!»

برادران و خواهران! اگر به خودمان نرسیم، بدبختی است؛ روسیاهی است؛ محرومیت است؛ از چشم خدا افتادن است؛ از مقامات معنوی دور ماندن و از نعیم ابدی الهی، تهیدست ماندن است. پس باید به خودمان برسیم. کتاب های اخلاق هم خوشبختانه در اختیار هست، لکن آن چیزی که آدم از مجموع می فهمد و آنچه مهم است، این است که انسان بتواند هوا و هوس خود را کنترل و مهار کند. این، اساس قضیه است.

سخنرانی مقام معظم رهبری در تاریخ ۷۱/۱۲/۰۴

نمی توانیم به طور دائم در حال مراقبت و ساخت و ساز خودمان باشیم، اقلأً ماه رمضان را مغتنم بشماریم. قدری در این ماه به خودمان برسیم. روزه، نعمت بزرگی است. شکم خالی است و مبارزه با نفس، تا حدودی در اثنای روز، از جهات مختلف وجود دارد؛ هر چه را دوست دارید، نمی خورید و نمی آشامید و بسیاری از مشتهیات نفسانی را برای خودتان به مدت چند ساعت ممنوع می کنید. این، یک مبارزه با نفس است؛ مبارزه با هواست و مبارزه با هوی، در رأس تمام کارهای نیک و خودسازی ها قرار دارد.

ماه رمضان زمینه بسیار خوبی است مثل طبیعی که با فردی بیمار مواجه است و آن بیمار به امراض متعددی مبتلاست، طیب حاذق که امراض او را می شناسد و راه علاجش را بلد است، با این بیمار چه کار می کند؟ اول سعی می کند بیماری های او را روی کاغذ بیاورد و ببیند به چه امراضی مبتلاست. اگر طیب، بعضی از بیماری های او را نشناسد و برای علاج بیماری دوایی بدهد که با بیماری دیگر ناسازگار باشد، ممکن است به جای این که او را علاج کند، بیچاره را به بیماری های دیگری هم مبتلا سازد! ... پس اول باید با دقت نگاه کند؛ دلسوزانه بیماری ها را پیدا کند و آن ها را بنویسد؛ بعد ببیند کدام مهم تر است، کدام فوتی تر است و کدام اصولی تر است. شما طیب خودتان بشوید، برادر عزیز! هیچ کس مثل خود انسان نمی تواند بیماری های خودش را بشناسد. برخی بیماری ها در انسان هست که اگر مثلاً

ما همان ماده خام هستیم که اگر روی خودمان کار کردیم و توانستیم این ماده خام را به شکل های برتر تبدیل کنیم، آن کار لازم در زندگی را انجام داده ایم. هدف حیات همین است. وای به حال کسانی که روی خودشان از لحاظ علم و عمل کاری نکنند و همان طور که وارد دنیا شدند، به اضافه پوسیدگی ها و ضایعات و خرابی ها و فسادها که در طول زندگی برای انسان پیش می آید، از این دنیا بروند. مؤمن باید به طور دائم روی خودش کار کند؛ به طور دائم. نه این که خیال کنید «به طور دائم» زیادی است یا نمی شود؛ نه. هم می شود، هم زیادی نیست. اگر کسی مراقب خود باشد؛ مواظب باشد کارهای ممنوع و کارهایی را که خلاف است انجام ندهد و راه خدا را با جدیت ببیماید، موفق می شود. این، همان خودسازی دائمی است و برنامه اسلام، متناسب با همین خودسازی به طور دائم است. این نماز پنجگانه - پنج وقت نماز خواندن - ذکر گفتن؛ «ایاک نعبد و ایاک نستعین» را تکرار کردن؛ و خدای متعال را تسبیح و تحمید و تهلیل کردن برای چیست؟ برای این است که انسان به طور دائم مشغول خودسازی باشد. منتها گرفتاری ها زیاد است و همه گرفتاریم. گرفتاری زندگی؛ گرفتاری معاش؛ گرفتاری امور شخصی؛ گرفتاری اهل و اولاد و انواع گرفتاری ها مانع می شود که ما به خودمان، آنچنان که شایسته است، برسیم. لذا یک ماه رمضان را که خدای متعال قرار داده است، فرصت مغتنمی است. این ماه را از دست ندهید. مقصودم این است که اگر

احکام روزه

من فردی کثیرالشک هستم و یا به تعبیر دقیق تر زیاد وسوسه می شوم، و در مسائل دینی به خصوص فروع دین زیاد شک می کنم، یکی از موارد آن این است که در ماه رمضان گذشته شک کردم که آیا غبار غلیظی که وارد دهان من شده آن را فرو برده ام یا خیر؟ و یا آبی را که داخل دهانم کردم، خارج کرده و بیرون ریختم یا نه؟ در نتیجه آیا روزه من صحیح است یا خیر؟

روزه شما در فرض سؤال محکوم به صحت است و این شک ها اعتباری ندارند.

اجوبة الاستفتائات مقام معظم رهبری

اهتمام ویژه به دهه آخر ماه مبارک رمضان

دهه آخر ماه مبارک رمضان، از ویژگی های خاصی برخوردار است. دو شب مهم قدر در آن قرار گرفته است، هم چنین طبق سنت پیامبر ﷺ، دهه اعتکاف محسوب می شود.

در کتاب کافی از امام صادق (ع) روایت شده است: چون دهه آخر ماه مبارک رمضان می رسید، رسول خدا ﷺ کمرش را محکم می بست، و از نزدیکی کردن با زنانش احتراز می کرد، شب زنده داری می نمود و خود را برای عبادت فارغ البال می ساخت.

در کتاب «دعائم» از علی (ع) روایت شده است:

رسول خدا ﷺ دهه آخر ماه مبارک رمضان رختخواب خود را جمع می کرد، و کمرش را برای عبادت محکم می بست، و چون شب بیست و سوم فرا می رسید، اهل بیت خود را بیدار نگه می داشت و به صورت هر کدام که خواب بر او غلبه می کرد آب می زد که خوابش نگیرد. همین طور حضرت زهرا (ع) در این شب، هیچ یک از اهل خانه خود را نمی گذاشت که بخوابند، و برای این که خوابشان نبرد، غذای کمتری به آنان می داد و از روز، خود را برای شب زنده داری آماده می کرد و می فرمود: محروم است کسی است که از خیر این شب بی بهره بماند.